

## با چه چالش‌هایی در طول ساخت این فیلم مواجه شدید؟

چالش اصلی، ایجاد تعادل بین واقع‌گرایی و زیبایی‌شناسی بصری بود، تا فیلم هم مستندگونه نشود و هم قصه‌گو باقی بماند.

## به عنوان یک کارگردان، چه المان‌هایی را برای جذب مخاطب در فیلم خود در نظر گرفتید؟

هدف من بیشتر تغییر نگرش و تأثیرگذاری روی مخاطب بود. ما در این فیلم به دنبال این بودیم که پیام‌هایی در زمینه‌های اجتماعی را به مخاطب منتقل کنیم و حتی اگر فقط تعداد کمی از مخاطبان، پس از تماشای فیلم، به موضوعات مطرح شده فکر کنند، من به هدفم رسیده‌ام. به همین دلیل، در ساخت فیلم بیشتر بر روی پیام‌های درونی و مفهوم داستان تمرکز کردیم.

## هدف شما از تولید این فیلم، بیشتر ایجاد تغییر در تفکرات و تأثیرگذاری روی جامعه بود. آیا احساس می‌کنید به این هدف رسیدید؟

یکی از اهداف اصلی فیلم، این بود که به مخاطب این امکان را بدهد که نگاه خود را نسبت به مسائل مختلف تغییر دهد. من همواره علاقه‌مند به بیان قصه‌های عمیقی هستم که در سکوت می‌گذرد و اگر یک نفر از تماشای فیلم، نگرش و تفکرش نسبت به موضوعات اجتماعی تغییر کند، من به هدفم رسیده‌ام.

## آیا در آینده برنامه‌ای برای ساخت فیلم‌های مشابه با موضوعات اجتماعی دارید؟

بله، دغدغه‌های اجتماعی همیشه برایم مهم بوده و قطعاً باز هم به آن‌ها می‌پردازم.

## چرا به سراغ موضوع مهاجرت و چالش‌های پناهندگان افغانستانی رفتید؟

چون این یک مسئله انسانی است، نه فقط ملی. می‌خواستم تصویری واقعی‌تر از مهاجرت و هویت ارائه دهم.

## به نظر شما مهم‌ترین مشکلاتی که اتباع افغانستانی در جامعه با آن روبرو هستند، چیست؟

مهمترین مشکلات اتباع افغانستانی فرصت‌های نابرابر، پیش‌داوری‌های اجتماعی و نادیده گرفته شدن دستاوردهای‌شان است.

## نقش رسانه و سینما در آگاه‌سازی جامعه نسبت به این مشکلات چیست؟

سینما می‌تواند نگاه‌ها را تغییر دهد، روایت‌های تازه بسازد و مرزهای ذهنی را جابه‌جا کند.

## آیا به نظر شما فیلم شما می‌تواند تأثیری در بهبود شرایط این افراد داشته باشد؟

حداقل می‌تواند باعث گفت‌وگو شود و این خودش شروع یک تغییر است.

## چگونه سعی کردید تا در فیلم از کلیشه‌ها دوری کنید و یک تصویر واقعی از زندگی مهاجران افغانستانی نشان دهید؟

دوری از کلیشه‌ها و ارائه تصویر واقعی از زندگی مهاجران افغانستانی در این فیلم از طریق پرهیز از نگاه ترحم‌آمیز و تمرکز بر شخصیت‌هایی که چند بعدی و واقعی‌اند، نه قربانی صرف، حاصل شد.

## چه عواملی در انتخاب بازیگران نقش داشته است؟

باورپذیری و اصالت از عوامل انتخاب بازیگر بودند چون مهم بود که بازیگران بتوانند جهان درونی این شخصیت‌ها را منتقل کنند.

## در مورد سبک کاری خود در این فیلم توضیح دهید. آیا سعی داشتید سبک خاصی را در فیلم دنبال کنید؟

بله سبک بصری خاصی را در فیلم «مرد آرام» دنبال می‌کردم و سعی کردیم تعادلی بین سادگی، رنگ‌های گرم و حس شاعرانه ایجاد کنیم تا قصه‌ای انسانی‌تر روایت شود.

## موسیقی فیلم چه نقشی در انتقال حس و حال داستان دارد؟

موسیقی بخشی از روایت فیلم محسوب می‌شود نه فقط یک همراه چون به فضا سازی فیلم کمک کرده و احساسات را عمیق‌تر می‌کند.

## آیا در طول ساخت فیلم، الهام گرفته از فیلم‌های دیگری بودید؟

به طور مستقیم از فیلم خاصی الهام نگرفته‌ام، اما قطعاً

تجربه‌های سینمایی قبلی که داشته‌ام روی نگاه من تأثیر گذاشته است.

## به عنوان یک فیلمساز، دغدغه‌های اصلی شما در زندگی چیست؟

دغدغه اصلی من به عنوان یک فیلمساز روایت قصه‌هایی است که کمتر دیده شده‌اند و ساختن جهانی که در آن قضاوت‌ها کمتر و درک متقابل بیشتر باشد.

## چه چیزی شما را به فیلمسازی علاقه‌مند کرد؟

قدرت سینما در تغییر نگاه آدم‌ها عامل علاقه‌مندی من به فیلمسازی است.

## چه توصیه‌ای برای فیلمسازان جوان تر دارید؟

من به فیلمسازان جوان توصیه می‌کنم که به جهان اطراف خود دقیق‌تر نگاه کنند، قصه‌های واقعی را پیدا کنند و شجاعت روایت کردنشان را داشته باشند.

## مهنوش صادقی، نویسنده:

### انسان بودن و رای ملیت و مرزها است

مهنوش صادقی فارغ‌التحصیل کارشناسی طراحی صحنه و لباس از دانشگاه هنر و معماری و دیپلم بازیگری از مدرسه هنر و ادبیات است. وی همچنین خاور بهنوش صادقی کارگردان فیلم است و «مرد آرام» کار مشترک این دو خاور امروز چهارشنبه در سانس چهارم سینمای اهالی رسانه و منتقدان در چهل و سومین جشنواره فیلم فجر به نمایش در می‌آید.

## چه چیزی باعث شد این موضوع را برای فیلم انتخاب کنید؟

شنیدن اخبار و روایت‌هایی درباره ضایع شدن ابتدایی‌ترین حقوق انسان خاصه بانوان همچون حق تحصیل، شروعی برای نگارش این قصه بود. از سوی دیگر قهرمان قصه فردی است که گذشته‌ای پر از زخم و اشتباه دارد که در جست و جوی ساختن آینده‌ای روشن‌تر برای نسل بعدی خود است در واقع این داستان درباره مسئولیت، انتخاب و امید هر چند کوچک در زندگی هر انسانی است و ایده اصلی از محرومیت اجباری یک دختر از تحصیل که حق ابتدایی هر فردی است ناشی شده است.

## چرا این موضوع توسط کاراکتر افغانستانی روایت می‌شود؟

ما در زندگی شهری بسیار با گروه‌های افغانستانی مواجه می‌شویم که در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند و دچار چنین چالش‌هایی هستند و نمی‌توانیم آن‌ها را نادیده بگیریم. هر کدام از این افراد داستان‌های شنیدنی دارند و این انتخاب من بوده که به این موضوع از این زاویه بپردازم تا شاید همدلی و شناخت بیشتری از این افراد حاصل شود.

به گمان من بیشتر مواقع خیلی یک سو به مهاجرین افغان پرداخته شده است البته که مهاجرت در هر جغرافیایی دشواری‌ها و تبعیض‌هایی در پی دارد و در ایران افغان‌ها اغلب به عنوان یک قشر فرودست دیده شده‌اند در حالی که در واقعیت چنین نیست و در بین آنها هنرمندان و نخبگان وجود دارند که برای ادامه مسیر نیازمند به امید و انگیزه هستند و من می‌خواستم، رنج محرومیت آن‌ها را بازگو کنم تا آن‌ها بتوانند آینده بهتری را برای خود انتخاب کنند.

## در مورد روند تحقیق و پژوهشی که برای ساخت فیلم انجام دادید، توضیح دهید. آیا با افراد افغانستانی صحبت کرده‌اید؟

زمانی که تصمیم به نگارش این فیلمنامه گرفتم دیدن فیلم‌های مستند، حضور در جمع مهاجرین افغان همچون گروه‌های کلاب هاوسی و شنیدن قصه‌های آن‌ها را آغاز کردم و این فیلم بهانه‌ای برای تشکیل گروهی از بچه‌های افغان برای تمرین بازیگری شد که سرپرستی این گروه را تا به امروز برعهده گرفتم. مهم‌ترین پیامی که فیلم «مرد آرام» قصد دارد به مخاطب منتقل کند، چیست؟

پیام من در مقام نویسنده این فیلم این است که انسان بودن و رای ملیت‌ها و مرزها است و سعی شده در این قصه این پیام به مخاطب منتقل شود.

## با چه چالش‌هایی در نگارش این فیلمنامه مواجه شدید؟

مهمترین چالش این بود که در دام شعار و احساسات اغراق شده نیفتیم و شخصیت‌ها واقعی و تصمیم‌ها منطقی باشد و در نهایت قصه ارتباط احساسی انسان‌ها را بیان کند و فیلم بیان کننده برخورد افراد با یکدیگر باشد.

## به نظر شما مهم‌ترین مشکلاتی که اتباع افغانستانی در جامعه ما با آن روبرو هستند، چیست؟

به عنوان فردی که به واسطه این فیلم به زندگی آن‌ها نزدیک شده‌ام به غیر از مشکلات اقتصادی و حقوقی، مهم‌ترین چالش آن‌ها نگاهی است که با یک پیش‌داوری همراه است و آن‌ها این نگاه را احساس می‌کنند، اینکه کمتر بر اساس شخصیت و توانمندی‌هایشان به آن‌ها توجه می‌شود و صرفاً به واسطه ملیت‌شان قضاوت می‌شوند و این دردناک‌ترین بخش زندگی آن‌هاست.

## نقش رسانه و سینما در آگاه‌سازی جامعه نسبت به این مشکلات چیست؟

سینما دریچه‌ای است برای دیدن نادیده‌ها که فیلم‌ها و قصه‌هایی را روایت می‌کند که شاید در دنیای واقعی کمتر به آن‌ها گوش می‌دهیم و اگر حتی برای یک لحظه این همدلی به وجود آید رسالت خود را انجام داده است.

## آیا به نظر شما فیلم شما تأثیری در بهبود شرایط این افراد خواهد داشت؟

یک قصه و فیلم می‌تواند زمینه‌ساز تغییر و قدمی رو به جلو باشد ولی شکل‌گیری تغییر در جامعه به تنهایی امکان پذیر نیست.

## آیا در نگارش فیلمنامه برای رساندن پیام و هدف خود به لحن خاصی فکر کردید؟

من سعی کردم قصه در ریتم و لحنی روایت شود که کمترین دیالوگ و بیشترین بار احساسی را داشته باشد بنابراین در نگارش فیلمنامه به زبان تصویر توجهی ویژه داشتم و تلاش کردم هر صحنه به گونه‌ای نوشته شود که به تنهایی حس و مفهوم آن لحظه را منتقل کند و همه چیز در خدمت روایت باشد نه برای زیبا شدن صحنه.

## آیا در طول نگارش فیلمنامه از فیلم‌های دیگری الهام گرفته بودید؟

به صورت مستقیم از فیلم‌های دیگر الهام گرفته نشده ولی فیلم‌ها و مستندهایی که به موضوع جامعه و فرهنگ افغانستان می‌پرداخت در نگارش فیلمنامه موثر بود. ضمن اینکه دو کتاب معروف «سلام بر خورشید» و «پادبادک باز» را مجدداً خواندم که موجب شد کمی به کاراکترهای داستان نزدیک‌تر شوم.

## به عنوان یک نویسنده، دغدغه‌های اصلی شما در نگارش فیلمنامه چیست؟

دغدغه اصلی من به عنوان یک نویسنده نگارش داستان‌هایی است که از دل زندگی انسان‌ها باشد و بتواند نگاه و راهی را در ذهن مخاطب زنده کند نه یک روایت تخیلی و مصنوعی که شخصیت‌های آن واقعی نباشند.

## فیلمنامه خوب چقدر در موفقیت و دیده شدن فیلم اثر گذار است؟

فیلمنامه خوب بسیار در موفقیت یک فیلم موثر است به طوری که بهترین کارگردان و بازیگر هم بدون یک فیلمنامه خوب نمی‌توانند یک اثر ماندگار خلق کنند. فیلمنامه زیر بنای یک فیلم است و هر چه فیلمنامه اصولی‌تر باشد فیلم نتیجه بهتری خواهد داشت.

## مهمترین عامل فیلمنامه در جذب مخاطب چیست؟ (موضوع، ژانر یا...)

وقتی احساسات واقعی و شخصیت‌های ملموس همراه داستان باشند، ژانر داستان فرقی ندارد و مهم آن است که تماشاگر خود را در داستان ببیند و اینگونه با آن ارتباط گرفته و جذب خواهد شد.

### نکته پایانی...

من معتقدم وظیفه هنر قدرت دادن به مخاطب است و اثری موفق است که بعد از دیدن آن احساس قدرت و امید در مخاطب شکل گیرد، اگر این فیلم باعث شود حتی یک نفر در راهی که می‌پیماید تلاشگر و امیدوار شده و احساس قدرت کند برای من کافی است چون برای تغییر جهان و شکل‌گیری آینده روشن حتی یک نفر هم تأثیر گذار و موثر است.